

مدل روش‌شناختی مطالعه سبک زندگی اسلامی

مجید کافی^۱

چکیده

برای مطالعه سبک زندگی با رویکرد اسلامی و استنباط وضعیت مطلوب آن، باید از قرآن استفاده کرد. به خصوص استنباطی که درصدد است به تولید نظریه‌ای در باب سبک زندگی اسلامی بیانجامد، یعنی استنباط مدل مطالعه سبک زندگی اسلامی با استفاده از قرآن در مقام گردآوری، ساخت مدل مفهومی، نظریه‌پردازی،... بیشتر نیاز به استفاده از آیات قرآن دارند. اما از چه روشی می‌توان در مقام نظریه‌پردازی از قرآن استفاده کرد؟ به عبارت دیگر مدل روش‌شناختی مطالعه قرآن برای رسیدن به نظریه سبک زندگی اسلامی کدام است؟ برای پاسخگویی به این سؤال بین سه روش تفسیر موضوعی، تحلیل محتوا و مدل‌سازی ترکیب شده است که به مدل ترکیبی روش‌شناختی یا «روش مدل‌سازی بر اساس منابع دینی» نام‌گذاری شده است. این تحقیق درصدد است ضمن توضیح هر یک از این سه روش، به مدلی ترکیبی برای نظریه‌پردازی در باب سبک زندگی اسلامی از قرآن دست یابد.

کلید واژه‌ها: تفسیر موضوعی، تحلیل محتوا، روش مدل‌سازی، مفهوم‌پردازی باز، مفهوم‌پردازی محوری، مفهوم‌پردازی انتخابی.

مقدمه

مفهوم سبک زندگی مفهومی تولیدپذیر و بازتولیدپذیر است و این انعطاف نکته بسیار کلیدی در ضرورت مطالعه مجدد سبک زندگی است. علت توافق اندیشمندان اجتماعی بر ضرورت بررسی سبک زندگی در هر زمانی نیز ریشه در همین قابلیت بازتولیدی آن دارد. از همین رو اگر به فرض بتوان در وهله نخست اجزا و ارکان اصلی این مفهوم را در منابع دینی شناسایی نمود، و در وهله دوم شاخصه‌های روش‌شناختی تولید و بازتولید آن را به صورت یک مدل ارائه کرد، یک مطالعه بسیار مهم اجتماعی در فرض اول و یک تحقیق روش‌شناختی در فرض دوم انجام شده است که بدلیل بسیاری از ابزارهای روش‌شناختی مطالعات سبک زندگی غیربومی خواهد شد. اما آیا می‌توان این دو فعالیت تحقیقی را در یک مدل و در فرایندی واحد انجام داد. این تحقیق برای انجام این مهم تلاش می‌کند.

اما باید به این نکته توجه نمود که تحقیق در موضوع‌های اجتماعی همچون سبک زندگی از منظر دین، از یک سو در حوزه علوم اجتماعی قرار دارد و از سوی دیگر در قلمرو فهم متون و منابع دینی. چنین مطالعاتی افزون بر استفاده از روش‌شناسی علوم اجتماعی، محتاج روی آورد درون‌دینی نیز هست. به عبارت دیگر در باب سبک زندگی باید دو مطالعه همزمان انجام شود: یکی در مورد سبک زندگی مطلوب اسلامی و دیگری در باب سبک زندگی موجود. این تحقیق در صدد است مدلی ارائه کند که هر دو مطالعه در یک فرایند به سرانجام برسد.

از این رو مطالعه سبک زندگی اسلامی دارای دو مرحله معرفت‌شناختی (ارائه نظریه‌ای در باب سبک زندگی) و روش‌شناختی (ارائه مدلی برای مطالعه آن در منابع اسلامی) است. به عبارت دیگر در روش‌شناسی مطالعه سبک زندگی اسلامی، در صددیم مدلی برای مطالعه همزمان وضعیت‌سنجی سبک زندگی موجود و ارائه وضعیت مطلوب سبک زندگی اسلامی ارائه گردد. تحقیق در بخش فهم واقعیت و وضعیت موجود، جنبه کمی دارد، اما بخش استنباط و استخراج سبک زندگی از متون اسلامی، بیشتر با نوع تحقیقات کیفی سنخیت دارد و باید از اصول روش‌شناختی تحقیق کیفی پیروی کرد؛ چرا که روش‌های کیفی را می‌توان برای فهم و غور در بطن آیات که در بطون آیات چه نهفته است و برای نظریه‌پردازی از متون دینی به کار برد.

مفهوم سبک زندگی

سبک زندگی اسلامی در این تحقیق عبارت است از مجموعه شیوه‌هایی که هر مسلمانی به وسیله آن‌ها از تمام سرمایه‌های فردی و اجتماعی برای استحکام نظام ارتباطی و سپری کردن درست امور زندگی استفاده می‌کند. این معنا پیوند چندانی با موضوع طبقه اجتماعی ندارد.

بنابراین سبک زندگی پیامد و برآیند بینش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها در ابعاد رفتار فردی و قواعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است.

مدل روش‌شناسی سبک زندگی

مدل روش‌شناسی یا متدولوژی مطالعه سبک زندگی، دارای شش مرحله عمده اجرایی است. مرحله اول، استخراج آموزه‌های اسلامی در باب زندگی و استنباط وضعیت مطلوب سبک زندگی، از متون دینی (کتاب و سنت) است.

مرحله دوم نظریه‌پردازی از آیات به دست آمده در مرحله قبل است. در این مرحله باید به پرسش پاسخ داده شود که کانون تحقق سبک زندگی اسلامی چیست؟ آیا این کانون امری اجتماعی است، یا روان‌شناختی، اقتصادی، بهداشتی یا همه این موارد؟ به عبارت دیگر در این مرحله باید نظریه‌ای متناسب با وضعیت مطلوب از قرآن و روایات مرتبط استنباط شود. شایان ذکر است که در قرآن هیچ نظریه جامع‌شناختی، روان‌شناختی، و... را به طور یک‌جا، مشروح و کامل در باب سبک زندگی نیافته‌ایم. آنچه در قرآن وجود دارد، تعدادی آیه در باب مسائل جامعه و نوع و چگونگی زندگی مردم است که می‌توان با راهنمایی و دلالت آنها یک نظریه‌ای را ساخته و پرداخته کرد. اگر نظریه را به یک جورچین تشبیه کنیم، مجموعه گزاره‌ها و قضایای یک متن بسان قطعات تشکیل دهنده آن خواهند بود، قرآن هم تعدادی از این قطعات را در اختیار ما قرار داده است و هم جایگاه تعدادی از آنها را در خانه‌های جورچین برای ما مشخص کرده است. خانه‌های مشخص شده راهنمای ما برای تنظیم سایر خانه‌های جورچین هستند که باید با مراجعه به واقعیت اجتماعی کامل شود. در طول تحقیقات تجربی تنظیم نظریه کامل‌تر و دقیق‌تر خواهد شد و اگر در طول تحقیقات متعدد فهم شود که این نظریه حل‌کننده مسائل و مشکلات و پاسخ‌دهنده پرسش‌های جامعه نیست، احتمال می‌دهیم ترتیب و چینش گزاره‌های علمی و دینی ما درست نبوده است. بنابراین توضیح شیوه پردازش نظریه، استنباطی است و امکان اشتباه در نظریه‌پردازی قرآنی وجود دارد. شایان ذکر است انجام این مرحله با مرحله اول قابل تفکیک نیست، تفکیک این دو مرحله فقط در مقام بیان آن است.

مرحله سوم تدوین و بازتعریف مفاهیم و توضیح اصطلاحات علمی بر اساس نظریه است؛ به طور مثال در جامعه‌شناسی سبک زندگی پس از نظریه‌پردازی و کسب نظریه قرآن در باب سبک زندگی، نوبت به تعریف اصطلاحات و مفاهیم موجود در مدل سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی همچون خانواده، اوقات فراغت، کسب و کار، ارتباط‌های اجتماعی و... می‌رسد. پیش‌فرض انجام این مرحله این است که تعریف اصطلاحات و مفاهیم اجتماعی بر اساس نظریه

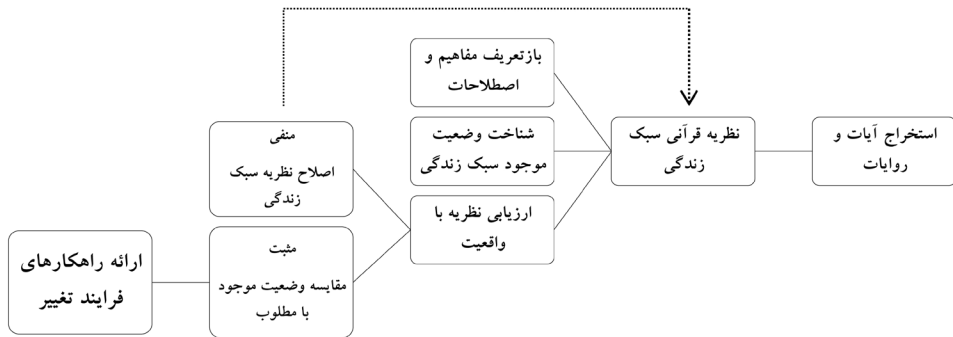
سبک زندگی اسلامی متفاوت با تعریف آنها بر اساس نظریه‌های دیگر خواهد بود.

مرحله چهارم و پنجم شناخت وضعیت موجود با روش‌های تجربی است. در مرحله چهارم و پنجم که به طور کامل به یکدیگر مرتبط هستند، دو کار به شرح زیر انجام می‌شود؛ اول این که نظریه بر اساس روش تجربی و واقعیت اجتماعی ارزیابی و سنجش می‌شود و در صورت وجود اشکال یا اشکالاتی در نظریه، آن را اصلاح می‌نماییم (اصلاح مرحله اول). در صورت تغییر و اصلاحاتی در نظریه، باید مفاهیم و اصطلاحات که بر اساس نظریه قبل از اصلاح تعریف شده بودند، نیز بازتعریف شوند (اصلاح مرحله دوم)؛ دوم این که باید با روش مقایسه‌ای و آگرایی‌ها و همگرایی‌های میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب را سنجید. در این مرحله باید نظریه به وسیله مبادی تجربی که مورد پذیرش دانشمندان غیرمسلمان است، اثبات شود تا مورد پذیرش آنان قرار گیرد. بنابر این در این مرحله افزون بر دو مورد قبل، جامعه‌شناس درصدد است یک ایده و نظریه تجربی را در حوزه سبک زندگی از قرآن استنباط کند و سپس با مبادی تجربی آن را به دیگران بقبولاند.

مرحله ششم و آخر باید با روش تجربی راهکارها و سازوکارهای فرآیند تغییر از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب را به دست آورد. جنبه اصلاحی نظریه قرآنی در این مرحله به ظهور می‌رسد. شایان ذکر است که نظریه‌های دینی و قرآنی نسبت به علوم جدید مثل جامعه‌شناسی بی‌اعتنا نیست و از تجربیات و دست‌آوردهای آن کمال استفاده را خواهد برد. از این رو علم جامعه‌شناسی به عنوان یک تجربه و دست‌آورد بشری با جامعه‌شناسی سبک زندگی اسلامی در این مرحله و مرحله چهارم با هم پیوند می‌خورند.

توضیح آن که مکانیسم آرمان‌گرایی بر اساس جهان‌بینی اسلامی چنین است که از یک طرف بر اساس بایدها و نبایدهای دین اسلام در مورد سبک زندگی یا خانواده تصویری از وضعیت بهتر یا مطلوب سبک زندگی و خانواده در آینده در ذهن مردم ترسیم می‌کنیم و از طرف دیگر از وضعیت موجود سبک زندگی یا خانواده در جامعه توسط دست‌آوردهای علوم تجربی آگاه می‌شویم. پس از این دو مرحله، باز از نتایج علوم تجربی استفاده کرده و مکانیسم و فرآیند تغییر از وضعیت موجود به وضعیت بهتر و تحقق آرمان‌ها را برنامه‌ریزی می‌کنیم. به طور مثال در تعالیم و آموزه‌های اسلامی در باب سبک زندگی آمده است که ارتباطات جنسی خارج از ضوابط و هنجارهای پذیرفته شده نامشروع و حرام یعنی نامطلوب است؛ به وسیله علم جامعه‌شناسی نیز وضعیت موجود جامعه آگاه می‌شویم. در صورت وجود فاصله بین وضعیت موجود (رواج ارتباطات نامشروع جنسی) و وضعیت مطلوب (محدود بودن ارتباطات جنسی به ارتباطات جنسی مشروع) می‌توانیم از مکانیسم‌های موجود در جامعه‌شناسی استفاده کنیم و جامعه با

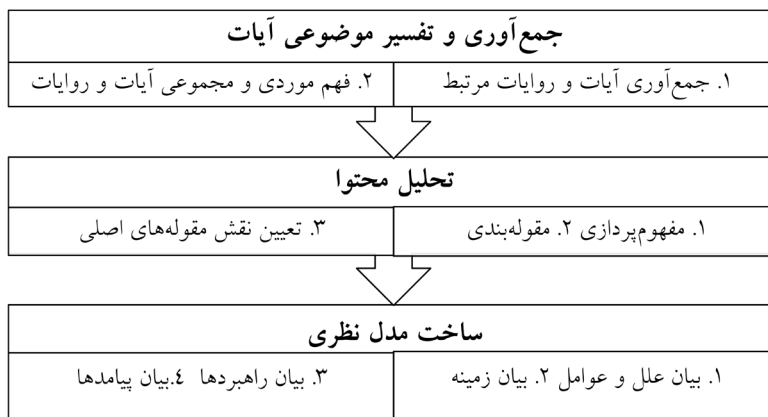
وضعیت موجود را به سوی جامعه بهتر و تحقق آرمان ارتباط جنسی مطلوب سوق دهیم.



اما این تحقیق در واقع درصدد است، به مرحله اول و دوم مدل فوق بپردازد؛ یعنی مدلی برای استخراج و ترسیم وضعیت مطلوب و استنباط نظریه سبک زندگی از قرآن ارائه دهد. اما مراحل سنجش مدل با واقعیت اجتماعی مراحل به قرار زیر دارد: استخراج مفاهیم از مدل سبک زندگی اسلامی، تعریف عملیاتی مفاهیم و تبدیل آنها به متغیر، بیان روابط بین متغیرها و ساخت فرضیه‌ها، بیان روابط بین فرضیه‌ها و ساخت مدل تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و سرانجام نتیجه‌گیری. شایان ذکر است مرحله اعتباریابی مدل ارائه‌شده نیز در این جستار مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

سازوکار نظریه‌پردازی

برای نظریه‌پردازی از منابع دینی بهتر آن است که به روش تحقیقات کیفی از نوع استقرایی روی آورد. به عبارت دیگر جهت طراحی مدلی برای مطالعه سبک زندگی اسلامی باید از دست‌آوردهای روش شناختی تحقیقات کیفی بهره جست. بر اساس این، سازوکار نظریه‌پردازی برای سبک زندگی اسلامی از ترکیب چند طرح تحقیق کیفی شکل گرفته است که شامل روش تفسیر موضوعی قرآن کریم، تحلیل محتوای کیفی که شامل مفهوم‌پردازی (تحلیل اولیه)، طبقه‌بندی مفاهیم (مقوله‌بندی یا تحلیل ثانویه)، تعیین مقوله‌های اصلی و نقش‌ها (تحلیل نهایی) و سرانجام مدل‌سازی که طراحی پیوند بین مقولات و ساخت مدل نظری است. تکنیک استخراج مدل تئوریک خود نوعی منطق برای پیوند مقوله‌هایی است که ضمن تحلیل‌های سه‌گانه به دست آمده‌اند.



جمع‌آوری و تفسیر موضوعی آیات و روایات مرتبط

اولین گام تحقیق بر اساس مدل فوق جمع‌آوری آیات است. جمع‌آوری آیات بر اساس واژگان به کار رفته در آیات که نزدیکی معنایی با مفاهیم به کار رفته در نظریه‌های سبک‌زندگی دارند، شروع می‌شود. این مفاهیم مسیر جمع‌آوری داده‌ها (آیات) را مشخص می‌کنند. گام دوم در این مرحله تفسیر موضوعی آیات بر اساس ظاهر و به کمک دیدگاه مفسران، است.

تفسیر موضوعی در مقابل تفسیر ترتیبی، به تفسیری اطلاق می‌شود که از طریق کنکاش همه آیاتی که در جاهای مختلف قرآن و روایات مرتبط با آنها، به موضوعی خاص اشاره دارد، جمع‌آوری و سپس تفسیر می‌گردد. تفسیر موضوعی به دو معنا است: یکی این که موضوعی بیرونی و خارجی بر قرآن عرصه شود تا دیدگاه قرآن در باره آن موضوع استنباط و پس از آن تفسیر شود؛ شاید مراد پاره‌ای از آیات (آل عمران/۷) و روایات (صفر، ۱۳۸۹: ۱۹۴، ح ۷؛ الحرّ العاملی، ۱۴۱۶ق: ۲۷، ح ۱۹۶) که بر تأویل قرآن در هر زمانی دلالت می‌کنند، اشاره به همین معنای تفسیر موضوعی داشته باشند. تأویل قرآن یعنی استفاده آیات برای فهم موضوع‌هایی که در عصر نزول قرآن وجود نداشته‌اند؛ معنای دوم تفسیر موضوعی عبارت است از برگزیدن موضوع‌های قرآنی و دسته‌بندی آنها و سپس آوردن همه آیاتی که به آن موضوع پرداخته‌اند، تا نگرش قرآن درباره آن موضوع به دست آید (ر.ک: حکیم، ۱۳۷۸: ۲۲). به طور قطع در این تحقیق معنای دوم تفسیر موضوعی مراد و منظور است، چرا که ابعاد و مؤلفه‌های سبک‌زندگی اجتماعی انسان‌ها در هر زمان و جامعه‌ای (مردم، ارتباط، جامعه، بینش‌ها، گرایش‌ها، اراده، گفتار، رفتار، هویت اجتماعی و خانوادگی، کسب و کار، ارتباط‌های اجتماعی، معیشت، پوشاک، ...) از موضوعات قرآنی است. بنابراین تفسیر موضوعی در این جستار عبارت است از برگزیدن آیات مرتبط قرآن با موضوع سبک‌زندگی اجتماعی و سپس دسته‌بندی کردن همه آن آیات و بیان

ابعاد و مؤلفه‌های سبک زندگی بر اساس آن آیات و در نهایت تلاش برای فهم مجموعی آیات تا نگرش قرآن درباره سبک زندگی اجتماعی و ابعاد و مؤلفه‌های آن به دست آید. تفسیر و فهم مجموعی آیات برگزیده بیانگر سبک زندگی اسلامی است.

به طور خلاصه ۱. تفسیر موضوعی در این جستار عبارت است از برگزیدن آیات و روایات مرتبط با سبک زندگی و سپس دسته‌بندی کردن همه آن آیات و روایات که به سبک زندگی پرداخته‌اند، و در نهایت تلاش برای فهم مجموعی آیات تا نگرش قرآن درباره موضوع سبک زندگی به دست آید؛ ۲. مفاهیمی که بر اساس تفاسیر اجتماعی از قبل برگزیده می‌شوند، به عنوان ادبیات فنی مورد استفاده قرار می‌گیرند. ادبیات فنی به تفاسیر، گزارش‌های مطالعات قرآن‌پژوهی و مقاله‌های نظری و تفسیری مرتبط با سبک زندگی اطلاق می‌شود (ر.ک: محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۲۴)؛ ۳. واحد مشاهده در فهم متن و استنباط از آن معمولاً با واحد تجزیه و تحلیل متفاوت است. در بخش تفسیری تحقیق، واحد مشاهده آیات و گاهی روایات هستند، اما واحد تجزیه و تحلیل فهم ما و یا مفسران دیگر از آن آیات و روایات است.

تحلیل محتوا

پس از جمع‌آوری آیات و روایات و تفسیر آنها باید برداشت‌های به دست آمده از تفسیر آیات تحلیل شوند. نوع تحلیل مناسب با این گونه تحقیقات، معمولاً تحلیل محتوای کیفی است. تحلیل محتوا در این تحقیق روشی است که می‌توان بر اساس آن سبک زندگی مورد نظر قرآن را به طور نظری، آرمانی و نظام‌مند شناخت. رویه شناخت، تحلیل محتوا در فرآیند سه‌گانه (مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و تعیین مقوله‌های اصلی و نقش‌ها آنها) است. مفهوم‌پردازی از آیات در تحلیل محتوا بر اساس مفاهیم و معانی مورد نظر مفسران صورت می‌گیرد. بنابراین، در وهله اول به آیات مرتبط برچسب مفهومی زده می‌شود و سپس مفاهیم به دست آمده در گروه‌های انتزاعی تر مقوله‌بندی می‌شوند.

در اینجا ذکر دو نکته لازم است یکی این که تفاوت اساسی تحلیل محتوا با روش تفسیر موضوعی در این است که تحلیل محتوا در صدد فهم انگیزه‌ها، شرایط اجتماعی، اوضاع و احوال حاکم بر متن و ماتن است، ولی تفسیر موضوعی در صدد فهم خود متن است؛ و دومین نکته این که گام ششم در مرحله بعد یعنی ساخت مدل نظری مطالعه سبک زندگی توضیح داده خواهد شد.

مراحل تحلیل محتوا

مجموعه فعالیت‌هایی که بر اساس سه گام تحلیل محتوا در این تحقیق باید انجام شود، عبارت است از: ۱. عملیات مفهوم‌پردازی و برچسب زدن به آیات، ۲. مقوله‌بندی مفاهیم، ۳. تعیین مقوله‌های اصلی و نقش آنها، و سرانجام در مرحله بعد باید پیوندهای بین مفاهیم و مقوله‌ها به طور نظام‌مند در یک مدل نظری ارائه شود (برای آگاهی بیشتر از چگونگی مفهوم‌سازی، مقوله‌بندی و برقراری پیوند بین مفاهیم و مقوله‌ها ر.ک: لیندلف، تامس و برایان تیلور؛ ۱۳۸۸: فصل ۷، ۳۰۸-۲۶۷).

به عبارت دیگر در این تحقیق برای تحلیل محتوای آیات و روایات از سه رویه تحلیلی استفاده شده است که عبارتند از: مفهوم‌پردازی (تحلیل نخستین)، مقوله‌بندی مفاهیم و استنباط مقوله‌های اصلی (تحلیل میانی)، تعیین نقش مقولات، و سرانجام ترکیب و پیوند بین مقوله‌های اصلی و ارائه مدل سبک زندگی از پیوند بین مفاهیم (تحلیل نهایی) که در مرحله سوم تحقیق انجام می‌شود (ر.ک: محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۲۷). شایان ذکر است که تفاوت میان این مراحل غیرواقعی است؛ به عبارت دیگر در مقام تجزیه و تحلیل آیات و روایات، هر کدام از این مراحل در مرحله‌ای جداگانه‌ای و به طور مستقل صورت نمی‌گیرد. همان طور که گردآوری آیات و روایات و تجزیه و تحلیل آنها دو مرحله به هم پیوسته و تنگاتنگ هستند.

مفهوم‌پردازی

مفهوم‌پردازی آیات و روایات بیانگر عملیات تحلیل محتوای کیفی است که طی آن آیات و روایاتی که جمع‌آوری شده، تجزیه، تحلیل و به مفاهیم جداگانه تفکیک و پردازش می‌شوند. (ر.ک: استراس و کوربین؛ ۱۳۸۵: ۵۹؛ همچنین ر.ک: محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۲۶). تحلیل مفهومی به استنباط یک مفهوم از یک آیه یا روایت و دادن یک نام، عنوان یا برچسب که به طور همزمان هر آیه از داده‌ها را تلخیص و تشریح می‌کند، اشاره دارد (ر.ک: محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۲۷). در این مرحله همه آیات مرتبط با سبک زندگی تک‌به‌تک برچسب می‌خورند. در تحلیل مفهومی آیات (داده‌ها) مقایسه و خرد می‌شوند تا به شکل‌گیری مفاهیم جدید بانجامد. در مرحله مفهوم‌پردازی تک‌تک آیات به دقت خوانده می‌شوند و آیاتی را که بیانگر یک مفهوم^۱ مرتبط با سبک زندگی است، مشخص می‌گردند. در مرحله مفهوم‌پردازی و تحلیل مفهومی دو رویه و تکنیک اصلی وجود دارد: یکی خرد کردن مفاهیم و دیگری پرسش سؤالات. مفهوم به کلمه‌ای اطلاق می‌شود که به گروه یا طبقه‌ای از اشیاء، رویدادها و کنش‌هایی که

۱. مفهوم در اینجا به معنای برچسب ذهنی به ایده مطرح شده در آیه یا روایات است.

در برخی ویژگی‌های عمومی با هم اشتراک دارند، الصاق می‌گردد (ر.ک: محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۲۶). در این جا منظور از مفاهیم برجسب‌های ذهنی جداگانه به وقایع، حوادث و سایر پدیده‌ها است، در این مرحله همه آیات مرتبط تک‌به‌تک برجسب می‌خورند. تکنیک و رویه کلی در مفهوم‌پردازی سؤال کردن است. از آن جا که هر یک از مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی، تعیین نقش آنها در مرحله خاصی از تحقیق انجام می‌شود، نوع سؤال‌هایی که در هر مرحله مطرح می‌شوند تا حدی متفاوتند.

مقوله‌بندی

از طریق فرایند مفهوم‌پردازی و تحلیل مفهومی است که مقوله‌ها ساخته و نام‌گذاری می‌شوند و ویژگی‌های خاصی به آنها منتسب می‌گردد. در مرحله مقوله‌بندی باید دسته‌ای از مفاهیمی که از آیات به دست آمده را بر اساس معنای کلی و درونی‌شان و نه بر پایه پیوند آنها با یکدیگر، ذیل یک مقوله قرار داد (لیندلف، تامس و برایان تیلور؛ ۱۳۸۸: ۲۷۸). روند طبقه‌بندی مفاهیم را که به نظر می‌رسد از نظر نوع مشابه هستند، مقوله‌بندی نامیده می‌شود. به هر دسته از مفاهیم که از یک نوع هستند، یک اسم می‌دهیم، اما باید این اسم انتزاعی‌تر از مفاهیم باشد که مجموعه آنها مقوله را تشکیل داده‌اند.

تحلیل اجتماعی سبک زندگی بر مبنای مقوله‌بندی مفاهیم امکان‌پذیر است و اصلی‌ترین ویژگی منطقی مقوله‌بندی خصوصیت طبقه‌بندی کردن مفاهیم است. اگر انبوه مفاهیم به دست آمده از آیات در باب سبک زندگی در قالب چنین مقوله‌هایی کاهش نیابند و طبقه‌بندی نشوند، امکان شناخت نظام‌مند سبک زندگی، یا صادر کردن هرگونه حکمی در باره آن ممکن نخواهد شد. منطوق و رویه مقوله‌بندی مفاهیم این است که مفاهیم پراکنده و بی‌نظم بر مبنای خصوصیات مشابه که مهم هستند، در چندین مقوله چنان طبقه‌بندی شوند که بتوان درباره خصوصیات و روابط بین مقوله‌ها (نه مفاهیم پراکنده) احکامی صادر کرد یا نقش آنها را در مدل سبک زندگی نشان داد. هدف اصلی مقوله‌بندی این است که در بین مفاهیم به دست آمده بتوان مفاهیمی را شناسایی کرد که از نظر خصوصیات رفتاری، ارزشی، نگرشی و گرایش‌های همسانی‌هایی نسبت به سایر مفاهیم داشته باشد. معیار موفقیت اینگونه مقوله‌بندی، معنادار بودن مقوله‌بندی در تحلیل تفاوت‌ها و شباهت‌ها است. به عبارت دیگر قدرت تبیین هر مقوله‌بندی بسته به این است که تا چه حد می‌تواند همسانی و مشابهت مفاهیم هر مقوله را به حداکثر و اختلاف میان مفاهیم هر مقوله را به حداقل برساند.

روند طبقه‌بندی مفاهیم که به نظر می‌رسد از نظر نوع مشابه هستند، مقوله‌بندی نامیده می‌شود. در این مرحله هر نوع رابطه ارائه شده بین مفاهیم موقتی و آزمایشی تلقی می‌گردد.

تعیین نقش مقوله‌ها (تحلیل نقشی)

در مرحله تحلیل نقشی محقق نقش مقوله‌های انتزاعی به دست آمده در مرحله قبل را مشخص می‌کند. در این مرحله همچنین باید مقوله اصلی یعنی سبک زندگی اسلامی ظاهر شود. مقوله اصلی به دو شیوه ظاهر می‌شود: اول انتخاب یکی از مقوله‌های موجود که نزدیکی معنایی با سبک زندگی دارد و دوم ابداع مقوله سبک زندگی، اگر در بین مقوله‌های موجود وجود نداشته باشد (ر.ک: محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۴۰). در تحلیل نقشی، در واقع، نقش و جایگاه هر یک از مقوله‌ها برای مدل سبک زندگی مشخص می‌شود. برای مشخص کردن نقش هر مقوله لازم است، اجزاء مدل الگویی را مورد بررسی قرار دهیم. از این رو در ادامه مدل الگویی زیر که در نهایت مدل سبک زندگی اسلامی بر اساس آن آشکار می‌شود، تبیین خواهد شد.

ساخت مدل

ساخت مدل نظری و استخراج دیدگاه قرآن در باب سبک زندگی در طی مراحل چند انجام می‌شود: یک مرحله ناظر به بیان علل و عواملی است که باعث ایجاد مقوله اصلی یعنی سبک زندگی می‌شود؛ مرحله دیگر ناظر به زمینه (مجموعه ویژگی‌هایی) است که سبک زندگی در دل آن جای دارد؛ سومین مرحله راهبردها و استراتژی‌های کنش و واکنش است که سبک زندگی از طریق آنها سامان می‌یابد و مدیریت و اجرا می‌شود؛ و سرانجام مرحله‌ای است که ناظر به پیامدهای سبک زندگی اسلامی است. این روش باعث می‌شود، مقوله‌هایی که در بخش تحلیل محتوا به دست آمدند و از هم متمایز بودند، تحت نظامی هماهنگ و یکپارچه به هم پیوندند و تفسیر شوند.

علل و عوامل ← پدیده ← محتوا(زمینه) ← شرایط میانجی ← استراتژی کنش و واکنش ← پیامد

علل و عوامل

مدل شامل سه نوع عاملیت، یعنی علل و عوامل، شرایط زمینه‌ای و میانجی، است. علل و عوامل باعث ایجاد پدیده سبک زندگی می‌شود و شرایط زمینه‌ای یا محیطی کنش و کنش متقابل (مثل ابداع زبان، خط، صحبت کردن) و همه اقداماتی است که مردم انجام می‌دهند تا زندگیشان

سپری شود، و شرایط میانجی مکانیسم تأثیر شرایط علی بر سبک زندگی است و به عنوان تسهیل کننده یا محدود کننده آنها عمل می کند. اما همه آنها شرط لازم تحقق سبک زندگی هستند، ولی تا مردم اراده نکنند که بر اساس آموزه های اسلامی زندگی کنند، هیچ سبکی برای زندگی آنان برقرار نخواهد شد. از این رو اراده مردم شرط کافی پیامد و شکل گیری سبک زندگی است.

شرایط باید به عنوان شرایط لازم (علل و عوامل، شرایط زمینه ای یا میانجی) و شرط کافی معین گردند و خصوصیاتشان بر شمرده شوند تا در ارتباط با موضوع سبک زندگی دارای معنی شوند. شکل پیشرفته نهایی که در نظریه تلفیق می شوند به محقق واگذار می شود.

جدول شماره

پیامد	شرط کافی	شروط لازم
شکل گیری سبک زندگی	اراده مردم	علل و عوامل زمینه ای میانجی

منظور از علل و عوامل، شرایطی علی است که سبب به وجود آمدن، رشد، پیچیده شدن و استمرار سبک زندگی یا مقوله اصلی می شود. شرایط علی یا همان علل و عوامل عبارتند از وضعیت ها، حوادث، وقایع و اتفاق هایی که به وقوع یا گسترش سبک زندگی یا رفتاری خاص می انجامد؛

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علل و عوامل ■ پدیده
به طور مثال، ناتوانی و نیاز مردم ■ شکل گیری ارتباطات بین مردم
بینش ها و گرایش های مردم ■ سبک زندگی

زمینه (شرایط محیطی)

زمینه عبارت است از مجموعه ای از ویژگی های خاص محیطی که بر سبک زندگی دلالت می کند. در حقیقت زمینه نوعی بررسی کردن است، اما بررسی کردن چه چیزی؟ بررسی کردن خصوصیات کلی محیطی که به صورت های مختلف وجود دارند تا سبک زندگی در آن شکل بگیرد. به عبارت دیگر زمینه (شرایط محیطی)، ویژگی های محیط سبک زندگی است (ر.ک:

محمّدی، ۱۳۸۷: ۶۴؛ همچنین ر.ک: استراس و کوربین؛ ۱۳۸۵: ۱۳۳). زمینه محل جریان سبک زندگی (مثل خانواده، قریه، شهر و...) است. افزون بر این زمینه عبارت است از یک سلسله شرایط خاصی که در آن راهبردهای کنش و کنش متقابل برای مدیریت، اداره، کنترل و پاسخ به سبک زندگی صورت می‌گیرد.

علل (شرایط) میانجی

شرایط میانجی بیان‌کننده مکانیسم و چگونگی تأثیر شرایط علی بر سبک زندگی هستند. مرتبط کردن مقولات به یکدیگر (ربط عوامل به سبک زندگی) در عمل بسیار پیچیده‌تر از این است که بگوییم وجود علت باعث ایجاد معلول می‌شود، زیرا که شرایط میانجی به عنوان مکانیسم و سازوکار در مراحل مختلف ایجاد و شکل‌گیری سبک زندگی دخالت می‌کنند. شرایط میانجی است که توضیح می‌دهد چرا بعضی از مردم شکل خاصی از سبک زندگی را انتخاب می‌کنند، اما دیگران چنین نمی‌کنند. بنابر این شرایط میانجی عبارت است از شرایط (علیت) ساختاری وسیع‌تر که مکانیسم و سازوکار تأثیر شرایط علی بر شکل‌گیری سبک زندگی را تبیین می‌کند. شرایط میانجی در راستای تسهیل یا محدود کردن تأثیر عوامل بر سبک زندگی نقش بازی می‌کنند (ر.ک: محمّدی، ۱۳۸۷: ۶۵). به عبارت دیگر شرایط میانجی تأثیر عوامل بر سبک زندگی را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشد و یا آنها را محدود و مقید می‌کنند. این شرایط عبارتند از: زمان، فضا (مکان)، فرهنگ یا جهان‌بینی، و...

کنش و کنش متقابل

هدف از راهبرد کنش و واکنش‌های ایجاد شده، کنترل و اداره کردن، برخورد با، به انجام رساندن و هدایت سبک زندگی مردم (پدیده) در زمینه یا در شرایط مشاهده شده خاص است. کنش و واکنش در ایجاد، شکل‌گیری و گاهی مقابله با یا جهت کنترل پیامدها عمل می‌کند. پیامد کنش و واکنش‌ها ممکن است، خود به یکی از شرایط مثل زمینه یا عوامل میانجی تبدیل شود و روی سلسله کنش و واکنش‌های بعدی اثر گذارد. بنابراین آنچه که در زمانی پیامد فرایندی از تأثیرات عوامل، شرایط و کنش و واکنش بوده است، ممکن است در زمانی دیگر به بخشی از شرایط و عوامل تبدیل شود.

کنش و واکنش خصوصیت‌های ویژه‌ای دارد: ۱. کنش و کنش متقابل در حال تغییر و تکامل یافتن است و در طول زمان دگرگون می‌شود؛ ۲. کنش و واکنش هدفمند است و در واکنش به پدیده یا برای اداره کردن آن صورت می‌گیرد. بنابراین با استفاده از روش‌ها و راهبردهای جامه

عمل می‌پوشد؛ ۳. کنش و کنش متقابل ناموفق همان قدر اهمیت دارد که کنش و واکنش موفق. به عبارت دیگر اگر کسی باید کاری را انجام می‌داد ولی از انجام آن سرباز زد، باید پرسید چرا؟ ۴. علل و شرایط میانجی‌ای وجود دارند که کنش و کنش متقابل را سهل یا محدود می‌کنند. این شرایط را نیز باید کشف کرد.

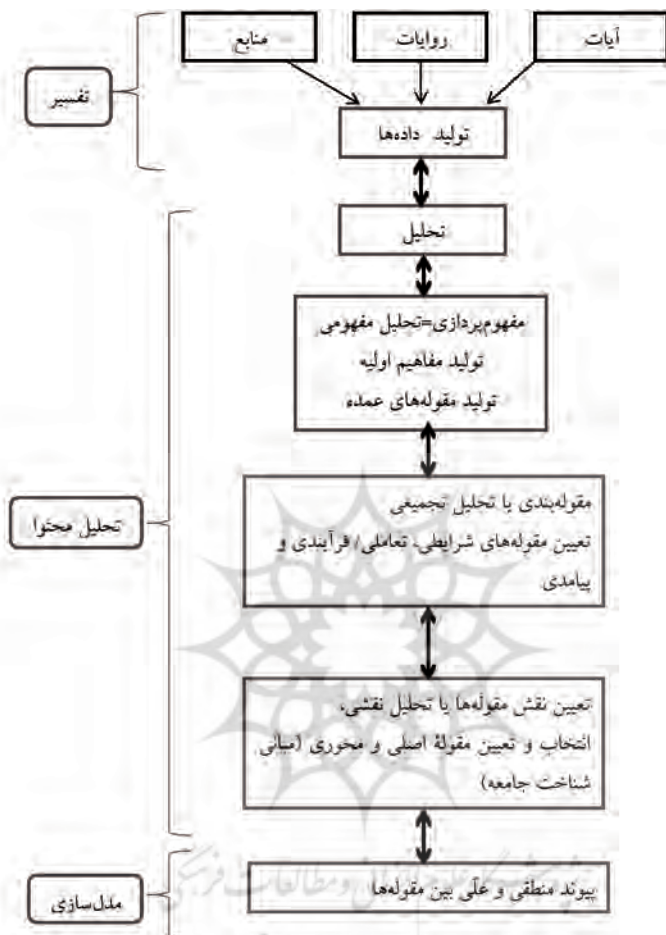
پیامد

پیامد نتیجه عوامل، زمینه، شرایط میانجی، و کنش و واکنش بین عوامل و شرایط مختلف است. پیامدها را همیشه نمی‌توان پیش‌بینی کرد و الزاما همان‌هایی نیستند که افراد قصد آن را داشته‌اند. شرایط، مکانیسم و کنش و واکنش‌ها ممکن است پیامدهایی برای افراد، مکان‌ها یا اشیا داشته باشند. پیامدها ممکن است حوادث یا اتفاقات باشند. پیامدها ممکن است مثبت یا منفی باشند، یا ممکن است واقعی یا ضمنی باشند. به هر حال در این بخش به پیامدهای مثبت و منفی سبک زندگی برآمده از علل و عوامل، زمینه، شرایط میانجی و کنش و واکنش‌ها توجه می‌شود. پیامدها را همیشه نمی‌توان پیش‌بینی کرد و الزاما همان‌هایی نیستند که افراد قصد آن را داشته‌اند. شرایط، مکانیسم و کنش و واکنش‌ها ممکن است پیامدهایی برای افراد، مکانها یا اشیا داشته باشند. پیامدها ممکن است حوادث یا اتفاقات باشند. پیامدها ممکن است مثبت یا منفی باشند، یا ممکن است واقعی یا ضمنی باشند.

اعتبار سنجی مدل

بر اساس مراحل پیش‌گفته روش این تحقیق استقرایی است؛ چرا که مدل سبک زندگی اسلامی از آیات و روایات مرتبط جمع‌آوری شده، ساخته و پرداخته و سرانجام تفسیر می‌شود. شایان توجه است که تحقیق با مدل‌سازی به پایان نمی‌رسد، بلکه باید مدل را پس از آن اعتبارسنجی کرد. برای کسب روایی مدل دو راه وجود دارد، یکی از راه دریافت نظر خبرگان اجتماعی و مفسران، و دیگری از طریق سنجش تجربی و میدانی مدل که با گردآوری منظم داده‌ها از واقعیت اجتماعی و نتایجی که از تجزیه و تحلیل آنها به دست می‌آید مدل سنجش و ارزیابی می‌شود.

نمودار شماره



ساخت نظریه

تا این بخش مقاله این مطالب روشن شد که مقوله‌ها در مرحله تحلیل تجمیعی (مقوله‌بندی) به دست می‌آید. در مرحله تحلیل نقشی نیز نقش آن مقوله‌ها مشخص می‌گردد. اما در مرحله ساخت مدل، شبکه‌ای مفهومی بین مقوله‌هایی که نقششان مشخص شده است، شکل می‌گیرد. شبکه مفهومی اگر چه تا حدی در هم تنیده است، ولی مرحله تعیین نقش مقوله‌ها یا تحلیل نقشی، از میزان پیچیدگی آن می‌کاهد. شبکه مفهومی بر اساس یک الگوی از قبل مشخص شکل می‌گیرد؛ داده‌ها نیز بنابر این الگو سازمان می‌یابند، چرا که همین سازمان یافتن داده‌ها است که به «نظریه» می‌انجامد. ترکیب مقوله‌ها یا نظریه‌پردازی، مرحله تحلیل نظری یا ارائه نظریه است. در این مرحله،

یعنی تحلیل نظری، مقوله‌ها سازماندهی می‌شوند، یعنی مقوله‌ها با استفاده از یک الگو فرآیندهای به همدیگر وصل می‌گردند: این کار با استفاده از یک مدل الگویی که متضمن کشف علل، محتوا، راهبردهای کنش و واکنش و پیامدهاست، صورت می‌گیرد. (ر.ک: محمدی، ۱۳۸۷: ۶۸).

فرآیند نظریه‌پردازی به شکل یک «مدل نظری» به پایان می‌رسد. در مرحله نظریه‌پردازی مقوله‌های تعیین نقش شده در قالب یک مدل نظری حول مقوله سبک زندگی به یکدیگر پیوند داده می‌شوند. در واقع مدل ترسیم شده، به توصیف صوری مقوله سبک زندگی و تحلیل و تبیین آن می‌پردازد. فرآیند ترکیب مقوله‌ها به شکل‌گیری نظریه می‌انجامد. ترکیب مقوله‌ها به فرآیند مرتبط‌سازی و اتصال مقوله‌های عمده حول مقوله سبک زندگی و پالایش و آراستن سازه‌های نظری منتج شده از آن اطلاق می‌شود. مدل نظری باید قادر به توضیح این مطلب باشد که سبک زندگی به عنوان موضوع مورد مطالعه تحت چه شرایطی به وجود آمده است (ر.ک: محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۴۱). می‌توان ارتباط منطقی و علی بین مقوله‌ها یا مرحله «نظریه‌پردازی» را نیز به صورت جدول زیر خلاصه کرد. اگر این جدول بر اساس ویژگیهای پدیده مورد مطالعه کامل گردد، «نظریه سبک زندگی اسلامی بر اساس روش نظریه‌پردازی مورد نظر» شکل خواهد گرفت.

جدول شماره

عوامل درونی		(وقایع مؤثر در شکل‌گیری پدیده)	شرایط علی
عوامل بیرونی			
			پدیده
(پیامد دگرگونی و تغییر در بین مردم)		(انگیزه‌های مردم در شکل‌گیری پدیده)	زمینه
		(عوامل مؤثر در تسریع یا عدم تسریع شکل‌گیری پدیده)	شرایط میانجی
واکنش مثبت به مفهوم پذیرش	واکنش منفی (مقاومت در برابر پذیرش)	(واکنش در برابر شکل‌گیری پدیده)	ارتباطات متقابل
علل واکنش منفی			
		پیامدهای شکل‌گیری پدیده	پیامد

جمع‌بندی

۱) این تحقیق با این سؤال آغاز شد که برای استنباط و استخراج سبک زندگی اسلامی از منابع دینی چه مدلی مناسب است؟ در راستای پاسخ دادن به این سؤال بود که این جستار به ابداع روشی تلفیقی یا «مدل ترکیبی» دست یافت. بر اساس پیش‌گفته‌ها «مدل استخراج سبک زندگی از منابع اسلامی» از سه بخش تفسیر موضوعی، تحلیل محتوا و ساخت مدل تشکیل می‌شود.

۱. بخش تفسیر موضوعی شامل شناسایی آیات و روایات، و فهم معنای آیات و روایات است که به تولید داده‌های تحقیق و به عبارتی دیگر جمع‌آوری داده‌های تحقیق منجر می‌شود. تفسیر موضوعی در این جستار عبارت است از برگزیدن موضوع قرآنی زندگی مردم و سپس آوردن همه آیاتی که به این موضوعها پرداخته‌اند، و در نهایت تلاش برای فهم مجموعی آیات تا نگرش قرآن درباره موضوع سبک زندگی به دست آید.

۲. تحلیل محتوا سه مرحله مفهوم‌پردازی (تحلیل مفهومی)، مقوله‌بندی (تحلیل تجمیعی) و تعیین نقش مقوله‌ها (تحلیل نقشی) را شامل می‌شود که طی آن مفاهیم اجتماعی قرآن استخراج و پس از مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی آنها، مبناهای اساسی شناخت سبک زندگی از بین آنها استنباط می‌شود. به عبارت دیگر مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی آیات مرتبط در تحلیل محتوا، بر اساس مفاهیم و معانی مورد نظر صورت می‌گیرد. در وهله اول به آیات مرتبط برچسب مفهومی زده می‌شود و سپس مفاهیم به دست آمده در گروه‌های انتزاعی‌تر مقوله‌بندی می‌شوند.

۳. سرانجام بخش بیان ارتباط منطقی و علی بین مبانی به دست آمده (مقوله‌ها) در مورد سبک زندگی است. به عبارت دیگر مقوله‌های به دست آمده به وسیله تعیین نقششان و با بیانها و اظهار نظرهایی به همدیگر پیوند و متصل می‌شوند. پیوند بین مقولات سبب می‌شود که به شیوه‌های جدیدی مقولات و اطلاعات با یکدیگر ربط پیدا کنند. در مرحله نظریه‌پردازی دنبال فهم سلسله پیوندهایی هستیم که مقولات را به سبک زندگی مرتبط می‌کنند. پیوند بین مقوله‌ها بر اساس علل و عوامل، پدیده، زمینه، شرایط میانجی، استراتژی‌های کنش و کنش متقابل و نتایج و پیامدها مشخص می‌شوند.

۲) روش در مدل ارائه شده، در بخش اول (نظریه‌پردازی در پرتو پارادایم اسلامی علوم انسانی و ترسیم وضعیت مطلوب) نقلی و دینی است و در بخش وضعیت‌شناسی، مقایسه وضعیت مطلوب و موجود و ارائه راهکارهای اصلاح و رسیدن به وضعیت مطلوب، تجربی است.

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه عزت‌الله فولادوند.
۲. استراس، آنسلم و ژولیت کوربین، ۱۳۸۵، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها؛ ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. اسکاچ‌پل، تیدا، ۱۳۸۸، بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی؛ ترجمه هاشم آعاجری، تهران: نشر مرکز.
۴. بلیکی، نورمن، ۱۳۸۴، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۵. توماس، س. کوهن، ۱۳۸۳، ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه عباس طاهری، تهران: نشر قصه.
۶. الحرّ العاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۶ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، (۳۰ جلدی)، بیروت: موسسه آل‌البیت، الاحیاء التراث.
۷. حکیم، محمدباقر، ۱۳۸۷، جامعه‌انسانی از دیدگاه قرآن کریم؛ ترجمه موسی دانش؛ مشهد: آستان قدس رضوی.
۸. رابرتسون، یان، ۱۳۷۲، درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی)؛ ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
۹. رفیع‌پور، فرامز، ۱۳۷۷، آناتومی جامعه مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی؛ تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۰. ریتزر، جورج، ۱۳۸۵، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۱۱. شرت، ایون، ۱۳۸۷، فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای: هرمنوتیک، تبارشناسی و نظریه انتقادی از یونان باستان تا قرن بیست و یکم، ترجمه هادی جلیلی؛ تهران: نشر نی.
۱۲. صدیق‌اورعی، غلامرضا، ۱۳۸۲، بررسی ساختار نظام اجتماعی در اسلام؛ تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.
۱۳. صفار، محمد بن حسن، ۱۳۸۹، بصائر الدرجات فی علوم آل محمد؛ ترجمه علیرضا زکی‌زاده رنانی، تهران: وثوق.
۱۴. طالبان، محمدرضا، ۱۳۸۸، روش‌شناسی مطالعات انقلاب: با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران؛ تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۵. علیپور، مهدی، ۱۳۸۹، پارادایم اجتهادی دانش دینی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۶. لیندلف، تامس و برایان تیلور، ۱۳۸۸، روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، ترجمه عبدالله گیویان؛ تهران: همشهری.
۱۷. لیتل، دانیل، ۱۳۷۳، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۸. کافی، مجید، «باورهای علم دینی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش ۲۳.
۱۹. محمدپور، احمد، ۱۳۸۹، ضد روش، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی؛ تهران: جامعه‌شناسان.
۲۰. محمدی، بیوک، ۱۳۸۷، درآمدی بر روش تحقیق کیفی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

